

مطالعه پدیدارشناختی معنای توسعه در بین مناطق حاشیه نشین شهر رشت

میلاذ پوررجبی^۱، علی اکبر مجدلی^۲، غلامرضا حسنی درمیان^۳، احمدرضا اصغر پورماسوله^۴

شناسه پژوهشگر (آرکید): ۲۳۳۹-۶۶۶۱-۰۰۰۲-۰۰۰۰

شناسه پژوهشگر (آرکید): ۵۰۸۶-۶۵۱۹-۰۰۰۲-۰۰۰۰

شناسه پژوهشگر (آرکید): ۸۲۵۰-۹۷۴۵-۰۰۰۱-۰۰۰۰

شناسه پژوهشگر (آرکید): ۶۵۷۵-۸۸۰۵-۰۰۰۱-۰۰۰۰

چکیده


توسعه، ساختاری اجتماعی-فرهنگی دارد؛ بدین جهت مطالعه ساختار فهم آن در بین مناطق حاشیه نشین، می تواند بهره مندی اکثریت جامعه از آثار توسعه و عدالت توزیعی را که به معنی تقسیم عادلانه فرصت ها و بهره مندی از آثار و پیامدهای آن است، تأمین کند و اولویت بندی تأمین نیازهای حداقلی را نیز برای مناطق حاشیه نشین امکان پذیر سازد. بدین منظور برای درک معنای توسعه و تجربه زیسته افراد در میان حاشیه نشینان، با روش پدیدارشناسی با ۴۳ نفر از حاشیه نشینان مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته انجام شد. یافته ها نشان داد که حاشیه نشینان توسعه را به مثابه پیشرفت محوری، اخلاق محوری، شفاف محوری، کیفیت محوری و روان محوری می دانند و از دیدگاه آن ها، توجه به مناطق حاشیه نشین از طریق مؤلفه های اشاره شده باعث از حاشیه درآمدگی این مناطق خواهد شد. همچنین، چرخش مؤلفه های میانی از طریق یک بسط تئوریک ساختار شکل گیری منش قدرتمندانه شهری را به عنوان مقوله محوری این تحقیق نشان داد. **واژگان کلیدی:** توسعه، حاشیه نشین، پدیدارشناسی، مدیریت شهری، رشت.

۱. دکتری جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد/ Milad.porrajabi@gmail.com

۲. استادیار گروه جامعه شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) / majdi@um.ac.ir

۳. استادیار گروه جامعه شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد / gh-hassani@um.ac.ir

۴. استادیار گروه جامعه شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد / asgharpour@um.ac.ir

	مقاله علمی پژوهشی
	تاریخ دریافت: ۱۴۰۷/۸/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۱
	دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال چهاردهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص ۲۷۹-۳۰۳

۱. مقدمه و بیان مسئله

حاشیه‌نشینی روزبه‌روز در حال گسترش است (Adolfsson, Lindblad, & Peacock, 2021). این امر در کشورهای جهان سوم به صورت فزاینده‌ای همراه با آسیب‌های اجتماعی مطرح شد که با یک فرایند استثماری از جانب مرکز‌نشینان نیز همراه بود. حاشیه‌نشینی را یکی از پیامدهای نامطلوب رشد پُرشتاب شهرنشینی برمی‌شمارند (Bittencourt & Giannotti, 2021; Kuffer, Persello, Pfeffer, Sliuzas, & Rao, 2019; Logie et al., 2022; Mens, van Bueren, Vrijhoef, & Heurkens, 2021; Menshawy, Shafik, & Khedr, 2016; Spencer & Bevan, 2018; Stiphany, Ward, & Perez, 2021; Vásquez & Alicea-Planas, 2018; Wang et al., 2021; Zhao & Zhang, 2018; Zhu & Guo, 2022). وجود مناطق حاشیه‌نشین در کشورهای جهان سوم، جزئی از یک ناپایداری و تزلزل شهری محسوب می‌شود (Dekel, Meir, & Alfasi, 2019).

طبق نتایج پژوهش‌ها، حاشیه‌نشینی را نمی‌توان بیرون از قلمرو اصلی فعالیت تولید و بازتولید اجتماعی به شمار آورد (Abass & Kucukmehmetoglu, 2021)؛ چراکه حاشیه‌نشینان به‌وسیله یک سلسله ناتوانی‌های اقتصادی و اجتماعی دسترسی‌های محدودی به منابع اجتماعی دارند و نمی‌توانند نیازهای اولیه خود را برطرف کنند و درعین حال در یک وضعیت دوگانه قرار دارند. این وضعیت دوگانه از منظر اجتماعی و فرهنگی فشارهای همه‌جانبه‌ای را به روابط اجتماعی فرد وارد می‌کند و تا حدی ارزش‌های فرهنگی ملی او تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

محققان یافته‌های خود را این‌گونه بیان می‌کنند که وجود شرایط حاد و تجربه قرارگیری افراد در این جایگاه، موجب شکل‌گیری یک هویت متمایز فردی و اجتماعی می‌شود. این هویت فردی و اجتماعی به شکلی چندگانه (لایه‌لایه) عمل می‌کند و از منظر اجتماعی ساختار روابط افراد در منطقه مورد مطالعه را تغییر می‌دهد (Conway et al., 2019; Daniels, 2021; Daramola, 2018; Dekel et al., 2019; Hachmann, Jokar Arsanjani, & Vaz, 2018).

در مطالعه حاضر، حاشیه‌نشینی از دیدگاه اجتماعی مورد تعریف قرار می‌گیرد. به این اعتبار، حاشیه‌نشینان افرادی هستند که به دلایلی غیرارادی خارج از فرایند اجتماعی و مشارکت رسمی فعالیت اقتصادی خود را ادامه می‌دهند و از محدودیت رابطه‌ای رنج می‌برند، امکانات اجتماعی محدودی دارند و از ظرفیت نهادی پایینی برخوردارند. از این رو، روابط آنان با ساخت اجتماعی دچار آسیب است؛ به‌گونه‌ای که از حیث رابطه با مرکزیت نوعی طردشدگی غیرمستقیم را تجربه می‌کنند (Dotsey & Lumley-Sapanski, 2021; Falco, Zambrano-Verratti, & Kleinhans, 2019; Mudau & Mhangara, 2021; Muhula et al., 2021).

امروزه که روند استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی افزایش یافته است، شاهدیم که مناطق مختلف شهری به‌خصوص حاشیه‌نشینان، با درک جدیدی از زندگی روزمره آشنا هستند. ساکنان این مناطق، حقوق، انتظارات و تصورات مختلفی از مسئولان توسعه دارند (Andreev & Makarova, 2022; Blaya, 2019; Sakurai & Murayama, 2019; Saroj & Pal, 2020). وجود روابطی که به لحاظ ساختاری

با یک چرخش مواجه شده است، نوعی توانمندی شهری یا مشارکت شهری همه‌جانبه را در افراد به لحاظ جای‌گیری در قدرت طلب می‌کند که دسترسی افراد به منابع مختلف را به‌آسانی امکان‌پذیر می‌سازد (Mora, Kummitha, & Esposito, 2021).

باید توجه داشت رویکرد چرخش فرهنگی باعث ارائه‌ی نمایش قدرت در سازمان اجتماعی و کنش فردی افراد خواهد شد (Bevan & Wilson, 2013). از طرفی، با مفهوم توسعه مواجهیم که کانون نظام معنایی شهروندان را به لحاظ تاریخی در زمان‌های مختلف تغییر می‌دهد و در جوامع مختلف در قالب‌های مختلف گفتمانی معنادار می‌کند (Adinarayana & Mir, 2020; Pourrajabi & Bijani, 2020). در چنین شرایطی، نباید انتظار یک مفهوم تغییرناپذیر و ثابت از توسعه را داشته باشیم (An et al., 2022). در واقع، نوعی ابهام در فهم واقع‌بینانه از معنای توسعه همواره وجود داشته است که مفهوم آن را همچنان در قالبی معماگونه و مبهم قرار می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که نتوانسته است ارتباط معناداری با امر واقع در میدان عمل برقرار کند. این تفاوت در برداشت معنا، مسئله‌ای اساسی برای توسعه‌یابی مناطق (به‌ویژه در مناطق شهری) محسوب می‌شود و تناسب معنایی اندکی بین تلقی و تصور مردم با تلقی و تصور صاحبان قدرت از توسعه ایجاد کرده است (Beshir, Mohamed, Welch, & Rush, 2021; Daniels, 2021)؛ تفاوت فاحشی که بیشتر از هر چیز توسعه را با معنای دم‌دستی و ظاهری در اعداد و ارقام خلاصه می‌کند، درحالی‌که توسعه را باید با ملاحظات محلی در نظر گرفت (Conway et al., 2019). در واقع، مقتضیات زمانی-مکانی یک منطقه و ساختار نظام اجتماعی و روابط قدرت در آن منطقه، باعث روشن‌تر شدن مسئله ما در اینجا خواهد شد.

تحلیل معنای توسعه، مستلزم رفت‌وبرگشتی همه‌جانبه با ساختار کلان و خُرد است (Daramola, 2018). در سطح کلان، معنای توسعه در تقویت گفتمانی روابط قدرت جدید معنا پیدا می‌کند (Bit-tencourt & Giannotti, 2021)، اما در سطح خُرد (که مبانی پژوهش حاضر است)، نظام تعاملات اجتماعی میان‌ذهنیت افراد از معنای توسعه و مداخلات اجتماعی محلی و مقتضیات اجتماعی زمان و مکان به شکل توأمان می‌توانند در شکل‌دادن به توسعه عمل کنند. آنچه تا امروز بدان عمل می‌شده، توسعه ابلاغی یا توسعه از بالا به پایین بوده که قرین موفقیت نبوده است؛ اما توجه به توسعه و مسئله مناطق اجتماعی از نگاه سطح خُرد (یعنی کنشگران حاشیه‌نشین که تجربه و درک مستقیم و واحدی از مداخلات توسعه دارند)، می‌تواند مناسب و مفید باشد.

برداشت‌ها و برساخت‌های معنایی از توسعه، در سطوح مختلف انجام می‌شود. صرف‌نظر از مباحث نظری، در زمینه عملی و ایجاد زیرساخت‌های اجتماعی گاه با پذیرش و گاه با مخالفت روبه‌رویم. برداشت‌های خطا در مداخلات توسعه‌ای، هزینه‌های هنگفتی برای بهبود مناطق شهری به لحاظ توسعه‌یابی در پی دارد و با اشتباه و ضرر پایان می‌پذیرد؛ به‌گونه‌ای که نه تنها شاهد اتفاق مثبتی نیستیم، بلکه به شکلی چندوجهی با خطا در سیاست‌گذاری مواجهیم. در شرایطی که روابط ساختاری و مناسبات مختلف اجتماعی در حاشیه شهرها (مانند استفاده روزافزون از فناوری‌های نوین) هم در عملکرد و مهارت‌های افراد و هم در ذهنیت آنان تأثیرگذار است، نمی‌توان بدون در نظر گرفتن شرایط جدید برنامه‌ریزی کرد.

در این پژوهش، توسعه از منظر حاشیه‌نشینان مورد بررسی قرار می‌گیرد و فهم معنای توصیه برای فقرزدایی در ساخت مناطق شهری مورد توجه است. با توجه به اثرات معانی و تغییرات فرهنگی موجود در جامعه، این معانی با تغییرات گسترده همراه است. بر این اساس، استفاده از شیوه مناسب برای پیشبرد مفهوم توسعه یا به عبارتی مفهوم بومی شده آن باید هم‌زمان مدنظر قرار گیرد.

۲. پیشینه تجربی

اندیشه توسعه در میان حاشیه‌نشینان تنها در ارتباط با تحولات تاریخی مطرح نمی‌شود (Zazyki, da Silva, de Moura, Kaczam, & da Veiga, 2022)، بلکه در این رابطه توسعه خردمندانه علوم مختلف و دانش اجتماعی نیز مطرح است. توجه به تحولات، باعث می‌شود حجم و کیفیت دانش موجود درباره زیست حاشیه‌نشین افزایش یابد.

جدول شماره ۱: خلاصه پیشینه تجربی داخلی و خارجی

عنوان پژوهش	پژوهشگر	سال	یافته‌های کلیدی
پایش زیست‌پذیری سکونتگاه‌های ناکارآمد حاشیه‌نشین کلان‌شهر رشت: محله عینک	نصیری هندخاله و همکاران	۱۴۰۰	بین ابعاد مختلف زیست‌پذیری در سطح محله تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین، بیشترین مقدار همبستگی زیست‌پذیری محله عینک متعلق به شاخص کالبدی-فضایی است.
تبیین زیست‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی پیرامون کلان‌شهر رشت	علینقی‌پور و همکاران	۱۴۰۰	شاخص پیوستگی و تعلق مکان بیشترین و شاخص گردشگری کمترین تأثیر را بر زیست‌پذیری روستاهای مورد مطالعه داشته است.
تحلیل میزان مشارکت جامعه محلی در توسعه سکونتگاه‌های حاشیه‌نشین: مورد خشک‌بیجار در شهرستان رشت	پوررمضان	۱۳۹۹	اعتقاد به اهمیت کار گروهی، سن، درآمد، تحصیلات و شغل اصلی نقش کلیدی در میزان مشارکت آنان در توسعه روستایی دارد.
عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی در مناطق حاشیه‌نشین شهر مشهد	پوررجیبی و مجدلی	۱۳۹۸	ضعف قابل ملاحظه در بنیان‌های آگاهی و دانش، بنیان‌های اقتصادی و تولیدی و نیز سازوکارهای نهادی در تخصیص و توزیع سرمایه‌ها و امکانات است.

وضعیت، نابسامان و ناپه‌نجان است که باید به شکلی به بهبود وضعیت ساکنان منجر شود.	۲۰۲۲	Kubeš) & Ouředníček, (2022)	انواع کارکردی سکونتگاه‌های حومه‌ای در اطراف دو شهر
ضعف اساسی و بنیادینی در حاشیه‌نشین دریافت نمی‌شود. در برخی نقاط ساختار آگاهی دچار تحولات شده است. الگوهای ساختاری توسعه به لحاظ کارکردی با فضای حاشیه‌نشین هماهنگی ندارند.	۲۰۲۲	Dziecielski, Kourtiti, Nijkamp, & Ratajczak, (2021)	حوضه‌های جاذبه در اطراف شهرهای بزرگ: مطالعه فضاهای تعامل شهری در اروپا
بین مناطق حاشیه‌نشین و افزایش میزان محرومیت نسبی، رابطه وجود دارد که در نهایت باعث حاکم شدن فرهنگ فقر در منطقه حاشیه‌نشین شده است.	۲۰۲۲	Mohamed, Ubarevičienė, & van Ham, (2022)	ارزیابی مورفولوژیکی و بازآفرینی سکونتگاه‌های غیررسمی: رویکرد طراحی شهری مبتنی بر تجربه
زندگی در این محل باعث پیدایش شکل‌گیری و بروز ناهنجاری‌های متعدد شده است؛ به طوری که بسیاری از این خانواده‌ها از فقر و محرومیت رنج می‌برند.	۲۰۲۱	Zheng & Barker, (2021)	زیرساخت سبز و شهرنشینی در حومه پکن
احساس تعلق شهروندی پایینی برخوردار هستند. آن‌ها از مشارکت اجتماعی و تعلق شهروندی پایینی برخوردارند.	۲۰۲۱	Tian, Qian, & Wang, (2021)	طبقه‌بندی روستاها در حومه شهری از منظر ادغام شهری و روستایی و استراتژی‌های بهبود
حاشیه‌نشینان از شهر و محله زندگی خود احساس رضایت بالایی ندارند و از احساس تعلق شهروندی پایینی برخوردار هستند.	۲۰۲۰	Heider & Siedentop, (2020)	حومه‌نشینی اشتغال در قرن بیست و یکم: مقایسه‌ای از مناطق شهر آلمان و ایالات متحده
پیچیدگی فضایی گسترش شهری با امواج متوالی رشد متراکم شهری و متراکم شدن بیش از حد شهرها، حاشیه‌نشینی نیمه‌متراکم نواحی حاشیه‌ای و پراکندگی در مناطق روستایی داخلی ساحلی را در دسترس ترسیم می‌کند.	۲۰۱۹	Zambon) & Salvati, (2019)	رشد کلان‌شهرها، چرخه‌های شهری و مسکن در یک کشور مدیترانه‌ای، دهه ۱۹۱۰ تا ۲۰۱۰

در مطالعات قبلی، محققان بیشتر بر مشخصات رفاهی خدماتی توسعه اجتماعی در میان حاشیه‌نشینان تمرکز کرده و از این رو، عوامل فقدان رفاه مادی و کمبود خدمات انسانی را زمینه‌ساز یا عنصر کلیدی تعمیم حاشیه‌نشینی دانسته‌اند. این مطالعات دچار نوعی تقلیل‌گرایی شده و در نتیجه راهکارهای رفع حاشیه‌نشینی و ارتقای توسعه نیز معمولاً در سطح دولتی باقی مانده و اساس توسعه به اقتصاد و رفاه تقلیلی یافته است. این مطالعات نگاهی بدبینانه و از بالا به پایین به زندگی در میان حاشیه‌نشینان دارند و با ارائه تصویری از فضای کالبدی و اسکان غیررسمی در مناطق حاشیه‌نشین، راهکار رفع معضلات این مناطق را در ایجاد مسکن مناسب و دوری از زندگی در مناطق کثیف و پرتراکم شهری می‌دانند. غفلت از روابط تشدیدکننده در میان حاشیه‌نشینان و نظام معنایی زندگی حاشیه‌نشینی در این قبیل مطالعات مشهود است.

۳. چهارچوب مفهومی

مدیریت شهری و دستاوردهای آن، معنایی را در ذهن افراد و تجارب آنان باقی می‌گذارد که شناخت آن‌ها می‌تواند برای تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت ایده‌بخش باشد. تعریف توسعه و مفاهیم آن به معنای تلاش برای بهبود زندگی، همزاد تاریخ جامعه بشری است، اما توسعه به مفهوم امروزی آن که بیشتر مفهومی مقایسه‌ای است (Esposito, Clement, Mora, & Crutzen, 2021)، از جمله مفاهیم مورد توجه در نیم‌قرن اخیر در محافل مختلف است (Kuipers, Sezneva, & Halauniova, 2022).

پدیده توسعه و توسعه‌نیافتگی از پایان جنگ جهانی دوم به این طرف در محدوده اقتصاد سیاسی به یکی از مباحث بحث‌برانگیز تبدیل شد و زمینه مطالعات بیشتر را فراهم آورد (Croes, Ridderstaat, Bæk, & Zientara, 2021). استقلال بسیاری از کشورهای مستعمره سبب شد آن‌ها رفته‌رفته به موقعیت خود از جهت اقتصادی و اجتماعی در پهنه گیتی پی ببرند. در کنار آن محدودیت‌های مهاجرت مردم نواحی فقیر به نواحی پیشرفته، زمینه را به گونه‌ای آماده ساخت که ساکنان هر نقطه از جهان بتوانند به مقایسه وضعیت اقتصادی و اجتماعی خویش با دیگر افراد ساکن در این کره خاکی بپردازند (Asibey, Poku-Boansi, & Adutwum, 2021)؛ مقایسه‌ای که بر دامنه بحث‌های مربوط به توسعه و توسعه‌نیافتگی افزود. گسترش آمار و وسایل ارتباط جمعی (که انعکاس وضعیت اقتصادی و اجتماعی جوامع را تسهیل کرد) نیز باعث توجه بیشتر اذهان به ویژه متخصصان علوم انسانی به توسعه نابرابر جوامع شد.

با توجه به اهمیت و گستردگی توسعه، تعاریف و برداشت‌های متفاوتی از آن وجود دارد. در مفهوم کلی، توسعه به معنای ارتقای سطح مادی و معنوی جامعه انسانی و ایجاد شرایط مناسب یک زندگی سالم برای تمامی افراد جامعه است. با توجه به این مفهوم، توسعه دربرگیرنده جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که تغییرات کمی و کیفی را شامل می‌شود (Crane & Malloy, 2021). مفهوم مطلوب توسعه، بهبود کیفیت زندگی همه است؛ بنابراین کوشش برای توسعه باید به شکلی باشد که منافع اکثریت مردم را دربرگیرد. در صورتی که فقط بخش محدودی از جامعه از فرایند توسعه (که خود یک فرایند تغییر مطلوب است) بهره‌مند شوند، نمی‌توان آن را توسعه نامید (Abdillah, Abdul Manaf, & Awang, 2022). در مجموع، در تعریف

توسعه با در نظر گرفتن برداشت‌های مختلف از آن باید گفت:

- توسعه مفهومی جامع، چندبُعدی، پیچیده و غیرقابل تقسیم است؛
- مفهوم توسعه ابعاد هم کمی و هم کیفی دارد و تأکید بر جنبه‌های کمی بدون در نظر داشتن جنبه‌های کیفی و برعکس، به مفهوم توسعه نیست؛
- توسعه دارای ابعاد مادی و معنوی است. نه تنها رفع فقر و محرومیت و ارتقای سطح مادی زندگی، بلکه ارتقای فرهنگی و شعور اجتماعی یا کیفیت زندگی را در بر می‌گیرد؛
- توسعه مفهومی ارزشی است و در تعریف آن باید به شرایط جامعه مورد نظر توجه داشت؛ به عبارت دیگر توسعه را باید تعریف بومی کرد.

بنابراین هر الگوی نظری یا عملی که بتواند مجموعه خصوصیات مورد اشاره را در کنار هم تأمین کند یا حداقل دستیابی به تعداد بیشتری از این خصوصیات را مورد نظر داشته باشد، می‌تواند الگوی مناسب‌تری در رسیدن به اهداف توسعه باشد.

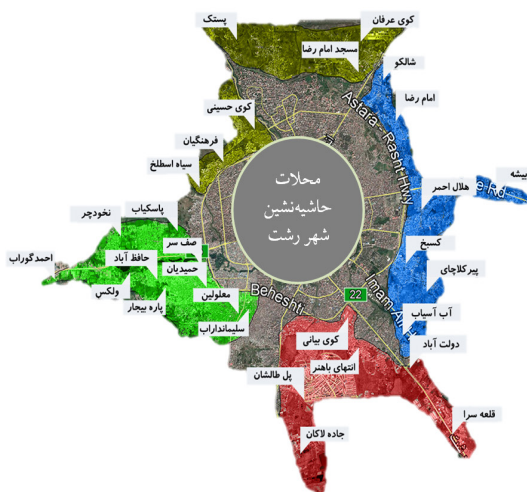
از طریق توسعه مناطق پیرامونی همراه با شهرهای کوچکی که در این مناطق وجود دارد و ایجاد رابطه متعادل بین شهرها و روستاها، می‌توان این امکان را فراهم کرد که مردم بر اساس خواست و ترجیح خود زندگی در مراکز شهرها و یا مناطق پیرامونی را برگزینند. در واقع، هدف توسعه ایجاد الگویی جایگزین در مقابل زندگی تنگدست شهری است که مردمی که در آن زندگی می‌کنند آن را برای زندگی برگزیده باشند و نه از روی ناچاری خود را ناگزیر از اقامت در آن ببینند.

۴. روش‌شناسی

تحقیق حاضر با روش‌شناسی کیفی و روش پدیدارشناسی انجام شده است. هدف پدیدارشناسی، توصیف، اکتشاف و تحلیل پدیده‌ها است؛ بنابراین صرفاً در مقام آن نیست که به حقیقت پدیده‌های ذهنی دست یابد، بلکه می‌خواهد بداند این پدیده‌ها چه رابطه‌ای با ارگانیزم حسی و بدنی و عوامل محیطی دارند. در واقع، پدیدارشناسی، هم توضیح ذهن است و هم توضیح و تفسیر محتوا و موضوع ذهن؛ خواه آن موضوع وجود واقعی داشته و موافق با دنیای خارج باشد و خواه وجود واقعی نداشته و موافق با دنیای خارج نباشد. هدف پژوهش پدیدارشناسی، شناسایی و توصیف صریح پدیده‌هاست، آن‌گونه که در موقعیتی خاص توسط افراد ادراک می‌شوند. در واقع، پدیدارشناسی به توصیف معانی یک پدیده از دیدگاه عده‌ای از مردم و برحسب تجارب زیسته آنان در آن مورد می‌پردازد؛ بنابراین، در پی فهم تجارب مشترک عده‌ای از مردم در مورد یک پدیده است.

در این تحقیق، برای دریافت معنای توسعه در بین مناطق حاشیه‌نشین، با ۴۳ نفر مصاحبه نیمه‌ساختار یافته صورت گرفت. افراد به شیوه تصادفی انتخاب شدند. با توجه به تقسیم‌بندی مناطق حاشیه‌نشین، سعی شد از همه مناطق به تعداد برابر مشارکت‌کننده برای مصاحبه انتخاب شود، ضمن آن‌که به مدت سکونت آنان نیز توجه شد. حداقل زمان سکونت در منطقه، ۳ سال بود؛ یعنی افرادی که کمتر از این مدت در آن منطقه

سکونت داشتند، مورد مصاحبه قرار نمی گرفتند. همچنین، در این پژوهش سعی شد با مطلع ترین افراد محله (عدم اختلال در مشاعر و زوال عقل) در خصوص معنایی که توسعه برایشان دارد، مصاحبه شود. در مورد میدان مطالعه باید گفت که رشت از جمله مناطق کشور است که از نظر بافت جمعیتی و سکونتگاهی پُرتراکم شناخته می شود. افزایش جمعیت رشت باعث شده است شهر از نظر کالبدی نیز گسترش افقی داشته باشد. به دلیل این که این گسترش یکسان نبوده، لذا تفاوت در امکانات شهری باعث عقب ماندگی و محدودیت در برخی از محلات شهر شده است.



نقشه شماره ۱: محلات حاشیه نشین شهر رشت

افزایش بی سابقه تورم و اوضاع اقتصادی نابسامان و فشارهای اقتصادی بر اقشار مختلف مردم، یکی از مهم ترین و اساسی ترین عوامل گسترش حاشیه نشینی در رشت بوده است. قیمت بالای بهای مسکن و اجاره، افراد را ناگزیر کرده به سمت نقاط پیرامون شهر نقل مکان کنند و بدون در نظر گرفتن اصول شهرسازی و استحکام، بنا بسازند. این کار موجب تفکیک غیرقانونی اراضی و خرد شدن آن شده است. به لحاظ ساختاری، با گسترش فضای پیرامون شهری با مناطق متعدد در این شهر مواجهیم که به لحاظ ماهیت، سبک واحدی از زندگی را تجربه می کنند.

متداول ترین روش و معیار در پژوهش های کیفی، صرف زمان زیاد در میدان، زاویه بندی، روش بازبینی اعضا و یا کنترل توسط مشارکت کنندگان است. برای تأمین اعتبار تحقیق، پس از تهیه مهم ترین محورهای مصاحبه بر اساس تحقیقات مشابه و پژوهش ابتدایی از راه مصاحبه های اولیه، نتایج ابتدایی در اختیار مطلعان قرار داده شد. مصاحبه ها در یک فرایند رفت و برگشتی به شکل کلی (هیئت نگر) مورد تأیید

1. Gestalt

مصاحبه‌کنندگان قرار گرفت تا جهت‌گیری مصاحبه از روند اصلی خارج نشود. این امر باعث شد تا در مصاحبه‌های دوم و سوم، مقولات و مفاهیم اکتشافی از اعتبار بالایی برخوردار باشند. علاوه بر دریافت رضایت آگاهانه مشارکت‌کنندگان، به آنان اطمینان داده شد که هویتشان نیز ناشناس (با اسم مستعار) باقی می‌ماند.

جدول شماره ۲: مناطق و محلات حاشیه‌نشین تحت مصاحبه در پژوهش

ردیف	مناطق شهری	محلات حاشیه‌نشین
۱	منطقه یک	کوی عرفان، مسجد امام‌رضا، پستک، کوی حسینی، شهرک فرهنگیان، سیاه‌اسطخ
۲	منطقه دو	ندارد
۳	منطقه سه	هلال‌احمر، کوی امام‌رضا، شالکوه، پیرکلاچای، کسبخ، آب آسیاب، آج‌بیشه
۴	منطقه چهار	پاره‌بیجار، صف‌سر، احمدگوراب، محله‌عینک، سلیمان‌داراب، معلولین، ولکس، پاسکیاب، نخودچر، حافظ‌آباد
۵	منطقه پنج	جاده لاکان، پل طالشان، پیام نور، کوی بیانی، انتهای باهنر، قلعه‌سرا و دولت‌آباد

در فرایند انتخاب نمونه باید توجه داشت که نمونه انتخاب‌شده تا چه حد در فرایند پژوهش کمک‌کننده است؛ زیرا در تحقیق کیفی هر مشارکت‌کننده و پاسخ‌هایش روشن‌کننده مسیر پژوهش است. فرایند انجام مصاحبه‌ها تا زمانی ادامه یافت که اشباع نظری حاصل شد. در تحقیق حاضر برای کسب حداکثر اطلاعات لازم در انتخاب نمونه‌ها، تلاش شد طبقات مختلف اجتماعی با سطح تحصیلات گوناگون در ساختار نمونه قرار گیرند.

ترکیب مشارکت‌کنندگان بدین شکل بود که حدود ۶۰ درصد آن‌ها مرد و ۴۰ درصد زن بودند. حدود ۵۸ درصد از آن‌ها در رده سنی کمتر از ۴۴ سال قرار داشتند و مابقی (حدود ۴۲ درصد) بالاتر از ۴۵ سال بودند. تحصیلات بیشتر مشارکت‌کنندگان فوق‌دیپلم و کارشناسی (۵۱/۲ درصد) بود. همچنین، ۶۰/۵ درصد افراد مشارکت‌کننده متأهل و ۳۹/۵ درصد مجرد بودند. اکثریت ساکنان (۵۸/۱ درصد) حاشیه‌نشین شهر رشت، بومی استان گیلان (گیلانی) و مابقی (۴۱/۹ درصد) از سایر قومیت‌های ایران بودند که سالیان زیادی پیرامون شهر رشت سکونت داشتند. بیشترین فراوانی به لحاظ بُعد خانوار، چهار نفر و پایین‌تر گزارش شده است (۶۹/۸ درصد). همچنین، ۷۲ درصد از مشارکت‌کنندگان فعالان در عرصه کار و کسب درآمد و ۲۸ درصد آن‌ها بیکار شامل زنان خانه‌دار، مستمری‌بگیران بهزیستی و کمیته امداد و بازنشستگان یا ازکارافتادگان بودند.

۵. یافته‌ها

در ابتدا بر اساس تحلیل پاسخ‌های افراد، پنج مؤلفه پیشرفته‌شدن، اخلاقی‌ترشدن، شفافیت همه‌جانبه، ارتقای کیفیت زندگی و ارتقای روانی اشخاص استخراج شد:

- در مؤلفه پیشرفته‌شدن یا پیشرفت‌مداری، در کدگذاری اولیه (باز) با پنج مفهوم شامل توسعه مردمی، جدایی‌گزینی، دسترسی به محله، از بین رفتن محدودیت‌ها و گستردگی امکانات روبرو هستیم.
- در مؤلفه اخلاقی‌ترشدن یا اخلاق‌مداری، در کدگذاری اولیه (باز) پنج مفهوم شامل توسعه یعنی احترام، شکل‌گیری روابط اجتماعی، یادگیری مداوم، اهمیت نقش شهروندی و احترام به مردم به دست آمد.
- در مؤلفه شفافیت همه‌جانبه یا کیفیت‌مداری، در کدگذاری اولیه (باز) با چهار مفهوم شامل متأثرشدن نسبت به اخبار، سرعت در خبررسانی، آگاه و مطلع شدن و افزایش تعاملات اجتماعی مواجه هستیم.
- در مؤلفه ارتقای کیفیت زندگی یا روان‌مداری، در کدگذاری اولیه (باز) پنج مفهوم شامل راحتی خرید، تنوع در انتخاب‌ها، داشتن سبک نوین، احساس راحتی و سهولت در دسترسی به دست آمد.
- در مؤلفه ارتقای روانی اشخاص یا شفاف‌مداری، با هفت مفهوم در کدگذاری اولیه (باز) مواجهیم که بر مفاهیم منزلت یعنی پول‌داشتن، از بین رفتن تضادها، سازگاری با محیط اجتماعی، حس اثربخشی، امیدبخش بودن، رضایتمندی شخصی و اعتمادبه‌نفس استوارند.

توضیحات هر کدام در زمینه مفصل‌بندی آنان با مقوله‌های میانه و مرکزی در ادامه خواهد آمد. مقولات از پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان حاشیه‌نشین با ابتدای بر معنا و تلقی ایشان از مفهوم توسعه استخراج شده است. مصاحبه‌شوندگان مبتنی بر اظهاراتشان (کشف ساختمان فکری در زمینه توسعه)، برای خود کنشی را متصور بودند که بر پایه ساختار الگوریتمی کدگذاری محوری (مقولات اصلی)، پنج مؤلفه مستخرج (یعنی پیشرفت‌مداری، اخلاق‌مداری، کیفیت‌مداری، روان‌مداری و شفاف‌مداری) را به صورت به‌هم‌پیوسته، بر روی یک سازه مرکزی و در یک منظومه فکری (سامان منطقی مفاهیم مرتبط) قرار می‌دادند. با توجه به عملیات کدگذاری اولیه و ثانویه (مقولات فرعی و اصلی) و به جهت ارتباط منطقی، می‌توان در قسمت کدگذاری انتخابی (مقوله مرکزی) به این سازه مرکزی با عنوان «شکل‌گیری منش قدرتمندانه شهری: یک بسط تئوریک» اشاره کرد. همچنین از طریق نرم‌افزار MAXQDA 2020 این رهگیری بارها مورد رصد قرار گرفت (فرایند رفت و برگشت تئوریک در کار کیفی) و در فرایند نهایی‌سازی برای بحث مفصل‌بندی و سازه‌نهایی و ایجاد مقوله مرکزی، از نرم‌افزار ATLAS.ti 7.5 کمک گرفته شد تا از جهت روایی و شفافیت انعکاس مقوله نهایی، بتواند اعتباربخش نتایج باشد. موارد فوق به شکل جدول و نمودار در ادامه توضیح داده شده است.

مؤلفه‌های مشخص شده (با عناوینی از قبیل پیشرفت‌محوری، اخلاق‌محوری، کیفیت‌محوری، روان‌محوری و شفاف‌محوری)، توانست رابطه‌ای منطقی بین مفهوم توسعه و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برقرار سازد. این ساختار مبتنی بر درک منطقی از محدوده حاشیه‌های شهری، با توجه به مؤلفه از حاشیه‌درآمدگی پنهان که مقوله مرکزی این فرایند شناخته شد، می‌تواند برای بهبود وضعیت شهری و ارتقای سبک مدیریتی مفید باشد.

جدول شماره ۳: فرایند کدگذاری و مقوله‌های استخراجی مصاحبه‌ها

کدگذاری گزینشی و انتخابی (مقوله مرکزی)	کدگذاری محوری (مقولات اصلی)	کدگذاری باز (کدهای اولیه)
شکل‌گیری منش قدرتمندانه شهری (ازحاشیه‌درآمدگی پنهان)	پیشرفته‌شدن (پیشرفت محوری)	توسعه مردمی
		جدایی‌گزینی
		دسترسی به محله
		ازبین‌رفتن محدودیت‌ها
		گسترده‌گی امکانات
	اخلاقی‌ترشدن (اخلاق محوری)	توسعه یعنی احترام
		شکل‌گیری روابط اجتماعی
		یادگیری مداوم
		اهمیت نقش شهروندی
	شفافیت همه‌جانبه (شفاف محوری)	احترام به مردم
		متأثر شدن نسبت به اخبار
		سرعت در خبررسانی
		آگاه و مطلع شدن
	ارتقای کیفیت زندگی (کیفیت محوری)	افزایش تعاملات اجتماعی
		راحتی خرید
		تنوع در انتخاب‌ها
		داشتن سبک نوین
		احساس راحتی
	ارتقای روانی اشخاص (روان محوری)	سهولت در دسترسی
		منزلت یعنی پول‌داشتن
		ازبین‌رفتن تضادها
		سازگاری با محیط اجتماعی
		حسن اثربخشی
		امیدبخش بودن
رضایتمندی شخصی		
اعتمادبه‌نفس		

در این پژوهش ابتدا نمونه‌هایی از حاشیه‌نشینان شهر رشت با تأکید بر جامعه هدف انتخاب شدند. سپس با ۴۳ نفر از آن‌ها مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته انجام شد. بعد از پیاده‌سازی داده‌ها، کدگذاری باز انجام گردید و سپس بر اساس تحلیل مضمون به مفاهیم و مقولات مورد نظر پرداخته شد. در مصاحبه‌ها، تمرکز بر بساخت معنای توسعه در بین مناطق حاشیه‌نشین بود. مشخصات مصاحبه‌شوندگان در جدول شماره ۴ آمده است.

جدول شماره ۴: مشخصات جمعیتی پاسخگویان

ردیف	نام مستعار	سن	تحصیلات	شغل	درآمد خانوار (میلیون تومان)
۱	اکبر	۲۹	فوق لیسانس	کارمند	حدود ۶-۷ م.
۲	سجاد	۵۳	دیپلم	بازنشسته	۳ م.
۳	حسین	۳۳	سیکل	کارگر	۳ م.
۴	کوروش	۲۸	فوق دیپلم	کارمند	۵ م.
۵	رضا	۲۹	لیسانس	بازنشسته	۵ م.
۶	اصغر	۲۷	فوق لیسانس	آزاد (مغازه‌دار)	حدود ۶ م.
۷	داوود	۳۷	ابتدایی	کارگر	حدود ۱-۲ م.
۸	رحمت	۴۷	سیکل	بازنشسته	۲ م.
۹	جواد	۱۹	فوق دیپلم	کارمند	۳ م.
۱۰	شاهین	۲۷	لیسانس	کارمند	۶ م.
۱۱	سپیده	۳۶	فوق لیسانس	خانه‌دار	بیش از ۸ م.
۱۲	شیرین	۲۸	لیسانس	خانه‌دار	بیش از ۷ م.
۱۳	احمد	۴۵	لیسانس	کارمند	بیش از ۶ م.
۱۴	فاطمه	۲۳	دیپلم	خانه‌دار	حدود ۱-۲ م.
۱۵	معصومه	۲۷	دیپلم	خانه‌دار	حدود ۵ م.
۱۶	محبوبه	۳۱	لیسانس	خانه‌دار	متغیر حدود ۴ م.
۱۷	کاظم	۴۴	فوق لیسانس	کارمند	حدود ۲ م.
۱۸	ریحانه	۲۶	لیسانس	دبیر حق التدریس	۳ م.
۱۹	تقی	۵۱	دکتر	استاد	حدود ۶ م.
۲۰	میلاذ	۴۱	دیپلم	کارمند	حدود ۲ م.
۲۱	مرضیه	۳۶	لیسانس	فروشنده	حدود ۲ م.

۲۲	احترام	۲۵	فوق‌دیپلم	خانه‌دار	۳/۵ م
۲۳	ایران دخت	۲۰	دیپلم	خانه‌دار	۲ م
۲۴	ماه‌بانو	۴۳	پنجم ابتدایی	راننده آژانس	۲/۷ م
۲۵	مهتا	۲۸	فوق لیسانس	خانه‌دار	۲ م
۲۶	هستی	۳۵	دکتر	آزمایشگاه	۶
۲۷	نارگل	۲۲	لیسانس	خانه‌دار	۱ م
۲۸	مهیار	۴۰	فوق‌دیپلم	کارمند	حدود ۶-۷ م
۲۹	ابراهیم	۶۰	دیپلم	بازنشسته	۳ م
۳۰	حبیب	۴۰	سیکل	آزاد (نانوا)	۳ م
۳۱	نقیسه	۱۹	فوق لیسانس	کارمند	۵ م
۳۲	تینا	۳۵	لیسانس	بازنشسته	۵ م
۳۳	کاوه	۲۱	فوق لیسانس	کارمند	حدود ۶ م
۳۴	خاور	۴۲	ابتدایی	کارگر	حدود ۱-۲ م
۳۵	شراره	۴۴	سیکل	خانه‌دار	۲ م
۳۶	زهره	۳۱	فوق لیسانس	کارمند	۳ م
۳۷	آصف	۲۷	لیسانس	آزاد	۶ م
۳۸	صابر	۴۲	فوق‌دیپلم	کارمند	بیش از ۸ م
۳۹	رضا	۲۸	دیپلم	آزاد	بیش از ۷ م
۴۰	کمال	۴۵	لیسانس	کارمند	بیش از ۶ م
۴۱	محمدجواد	۳۱	دیپلم	کارگر	حدود ۱-۲ م
۴۲	عباس	۳۷	دیپلم	کارمند	حدود ۵ م
۴۳	حسن	۲۹	لیسانس	آزاد (مشاور)	متغیر حدود ۴ م

به منظور تحلیل داده‌های مصاحبه‌ها، بر مباحثی پیرامون معنای توسعه در بین مناطق حاشیه‌نشین تمرکز شد. در ابتدا کدگذاری باز انجام گردید و از طریق نرم‌افزار MAXQDA 2020 کدهای نزدیک به هم از نظر محتوایی در یک گروه قرار داده شد که مفهوم جداگانه‌ای را تشکیل دادند، سپس بر اساس نزدیک بودن بعضی از مفاهیم باهم، یک مقوله تشکیل شد. بر اساس همین فرآیند، پژوهش حاضر دارای پنج مقوله محوری است.

مقوله اول با عنوان «توسعه به معنای پیشرفته شدن یا به عبارتی پیشرفت محوری» است که پنج مفهوم برای آن شناسایی شد. مقوله دوم با عنوان «توسعه به معنای اخلاقی تر شدن یا به عبارتی اخلاق محوری» است که این مقوله نیز دارای پنج مفهوم است. مقوله سوم با عنوان «توسعه به معنای شفافیت همه جانبه یا به عبارتی شفاف مداری» است که چهار مفهوم در دل آن جای گرفت. عنوان مقوله چهارم «توسعه به معنای ارتقای کیفیت زندگی یا به عبارتی کیفیت مداری» مشخص گردید که این مقوله نیز پنج مفهوم دارد. در نهایت مقوله پنجم «توسعه به معنای ارتقای روانی اشخاص یا به عبارتی روان مداری» تشخیص داده شد که ذیل این مقوله، هفت مفهوم جاگذاری شده است.

در ادامه، گزارش مربوط به موضوع پژوهش با سرفصل‌های ۵ مقوله مورد نظر همراه با نمودار بندی مربوط ارائه شده است. در نمودار تشریحی ذیل هر مقوله، کدگذاری باز و مفهوم نیز با جزئیات نمایش داده شده است.

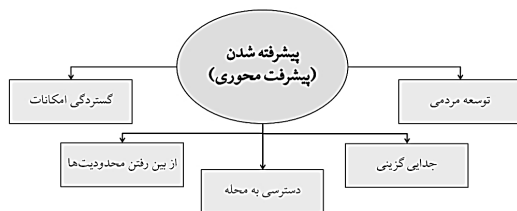
۱-۵. توسعه به معنای پیشرفته شدن (پیشرفت محوری)

پیشرفت ابعاد وسیعی دارد (Tura & Ojanen, 2022). آن، ضمن افزایش دانش، موجب از بین بردن اختلاف نوع و درجه می شود و آن را اصلاح می کند (Valenzuela-Levi et al., 2022)؛ بنابراین فرد به دنبال افزایش سطح آموزش، بهبودی سلامت و افزایش نفوذ و تسلط بر منابع می رود (Crane & Malloy, 2021). پیشرفت در زمینه رشد اقتصادی، فرصت برای زندگی، راحتی بسیار، افزایش آگاهی و سفر و ترکیبات مهم پیشرفت را ایجاد می کند (Zambon & Salvati, 2019). به عنوان نمونه کاظم چنین بیان می کند:

«پیشرفت همه جانبه محله و منطقه ما از جانب مردم و مشارکتی که آنان نسبت به حس وظیفه شناسی خود به محل می دانند، ایجاد می شود.»

یکی از مشارکت کنندگان (شیرین) نیز این گونه می گوید:

«قرار نیست همیشه یک مسیر روبه روشنایی در محله داشته باشیم؛ همین که از یک سری امکانات ابتدایی برای زندگی کردن توی این محل برخوردار باشیم، خودش دل خوشی ماست.»



نمودار شماره ۲: مؤلفه محوری پیشرفته شدن (پیشرفت محوری) و مفاهیم ذیل آن

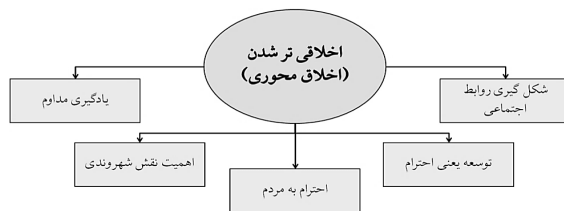
در این مورد دسترس‌پذیری به محلات، گستردگی امکانات رفاهی در محله، جدایی‌گزینی در درون محلات حاشیه شهر، رشد و ترقی و بهبود زندگی در محله آن هم از جانب مردم و از بین رفتن محدودیت‌های اجتماعی است که روابط بین‌فردی را تنگ‌تر می‌کند.

۲-۵. توسعه به معنای اخلاقی ترشدن (اخلاق محوری)

شکل‌گیری منش اخلاق‌مدارانه مبتنی بر آموزه‌های گذشته و سبک جدیدی که افراد در ارتباط با یکدیگر در قالب احترام تجربه می‌کنند (Dziecielski et al., 2021)، یک ساخت اجتماعی محترمانه را در جامعه شکل می‌دهد که گاه در حاشیه‌های شهر با موضوعات غیراخلاقی به شدت برخورد می‌شود. مهتا می‌گوید: «توی محل نمی‌تونیم بپذیریم کسی به کس دیگه احترام نگذاره.»

توجه به ویژگی‌های ساختاری جامعه محل زندگی و اینکه روابط با یکدیگر یک فرایند گردآوری داده و اطلاعات برای یادگیری مداوم است و ایجاد بستر مناسب برای شکل‌دادن به نقش شهروندی و شهروندمداری که ساختار محترمانه‌ای را برای مردم ایجاد می‌کند (Yang, Dong, & Yi, 2022)، توسعه را به معنای احترام‌بخشی به یکدیگر می‌داند و در قالب ایجاد روابط صمیمانه، اخلاق محوری مبتنی بر ایجاد حس نوع‌دوستی را مقدم می‌داند. در این باره رحمت می‌گوید:

«ساختار شهری باید به شکلی باشد که همه مردم بتوانند توش از حق برابری برای ابراز احساسات و ابراز تمایلات شخصی خودشان برخوردار باشن.»



نمودار شماره ۳: مؤلفه محوری اخلاقی ترشدن (اخلاق محوری) و مفاهیم ذیل آن

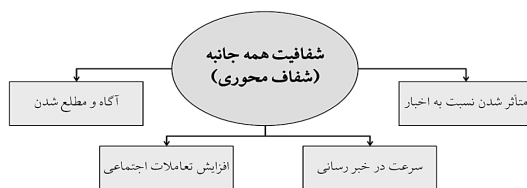
پیشرفت و تعالی یک منطقه وابسته است به طرز نگرش و تلقی افراد نسبت به موضوعی که آنان در جهت شفافیت هرچه بیشتر آن تلاش می‌کنند. این وضوح و شفافیت گاه در حوزه احترام و احترام‌ورزی شکل می‌گیرد. مردم بر این باورند که هرچه اطلاعات و آگاهی گسترش پیدا کند، احترام و وجه شهروندی آنان بیشتر مورد لحاظ قرار می‌گیرد. در واقع، امروز با وضعیت شهروند محترم مواجه هستیم، اما نگاه افراد در مرکز نیز تا اندازه زیادی وابسته به این مفهوم شکل می‌گیرد. کاوه می‌گوید:

«این که افراد از شأن و شخصیت همدیگه دفاع بکنن و برای اون ارزش قائل باشن، توسعه است.»

۳-۵. توسعه به معنای شفافیت همه‌جانبه (شفاف محوری)

در طول سال‌ها (به‌ویژه در دهه گذشته) معنای شفافیت عمدتاً ناشی از تحولات مهم در عرصه‌های فناوری و اجتماعی تغییرات جدی یافته است (Bhutoria & Aljabri, 2022). ناگفته پیداست که با استمرار این تحولات، معنای شفافیت نیز تکامل می‌یابد. برای نمونه، در گذشته «دسترسی به اطلاعات» مترادف شفافیت بود، اما امروزه تنها «استفاده‌پذیری اطلاعات» (با تعریف ودقت‌های حقوقی و فنی زیادی) مصداق آن است. ریحانه می‌گوید:

«وقتی از طریق فضای مجازی می‌توانیم بدانیم فلان متهم بانکی چقدر اختلاس کرده، معنی آن این است که ساختاری که وجود دارد شفافیت دارد.»



نمودار شماره ۴: مؤلفه محوری شفافیت همه‌جانبه (شفاف محوری) و مفاهیم ذیل آن

امروزه بیش از هر زمان دیگر، اخبار و اطلاعات را به شکل مستمر و مداوم دریافت می‌کنیم که شفافیت و وضوح بیشتر در عملکرد شهری و شهروندان و مسئولین شهری را در پی دارد. ابراهیم نیز بر مبنای اطلاع به موقع می‌گوید:

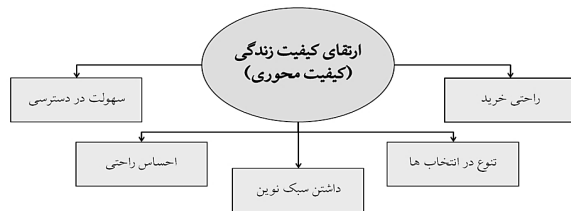
«امروزه آگه‌باخبر نشیم از اخبار و اطلاعیه‌ها، فردا به روغن ۵۰ هزار تومنی رو باید بخریم ۱۵۰ هزار تومن.»

میزان دانایی و آگاهی نسبت به امور مختلف شهری، روزبه‌روز در حال افزایش است و افزایش مداوم می‌تواند به رشد شفافیت در ساختار مدیریتی منجر شود.

۴-۵. توسعه به معنای ارتقای کیفیت زندگی (کیفیت محوری)

در توسعه حاشیه‌ها، توسعه شهری به مفهوم رشد کمی عناصر کالبدی شهر برای اسکان جمعیت و ارتقای کیفیت زندگی در قالب طرح‌های توسعه شهری رخ می‌دهد (Choudhary et al., 2020). محلات قدیمی و فرسوده شهر به‌عنوان کانون اولیه زیست ساکنان شهرها، نقش تأثیرگذاری در حیات شهروندان دارند و یادآور خاطرات ارزشمند ساکنان خود هستند (He, He, Mu, & Peng, 2022)؛ به‌طوری‌که امروزه بافت‌های فرسوده شهری، چگونگی تولد یک شهر و فرهنگ زندگی مردم آن در طول دوره زمانی تحول و تکامل شهر را انعکاس می‌دهند. ابراهیم می‌گوید:

«اونقدر گرانی و تورم و شکل های این جوری در جامعه زیاد شده که دیگه برای مردم فرقی نمی کنه من این جا می شینم یا توی گلسار.»



نمودار شماره ۵: مؤلفه محوری ارتقای کیفیت زندگی (کیفیت محوری) و مفاهیم ذیل آن

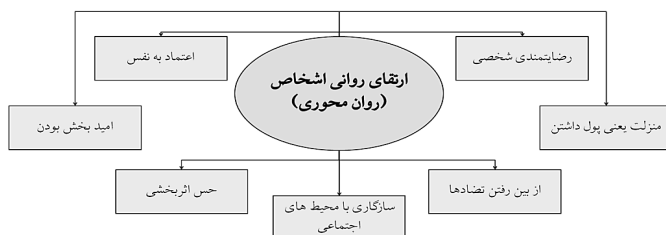
فرهنگ کیفیت محور و مفهوم و تعاریف کیفیت، واژه های رایج و آشنایی هستند که از مفهوم و نحوه کاربرد آن تفاسیر گوناگونی به عمل آمده است؛ اما وجه مشترک تمام تعاریف، سازگاری کالا یا خدمات با انتظارات و نیازهای مشتریان است. به عبارت دیگر، کیفیت وقتی به دست می آید که تولید خدمت، انتظارات مشتری (اعم از داخلی و خارجی) را برآورده سازد. صابر میگوید:

«وقتی بتونیم درست زندگی کنیم و یک سری امکانات باشه، می تونیم بگیم که توسعه پیدا کرده.»

تعاریف متعدد و گوناگونی در مورد کیفیت ارائه شده است. یک تعریف، کیفیت را به عنوان درجه ای تلقی می کند که یک محصول با انتظارات مشتری و مشخصات ارائه شده تطبیق دارد.

۵-۵. توسعه به معنای ارتقای روانی اشخاص (روان مداری)

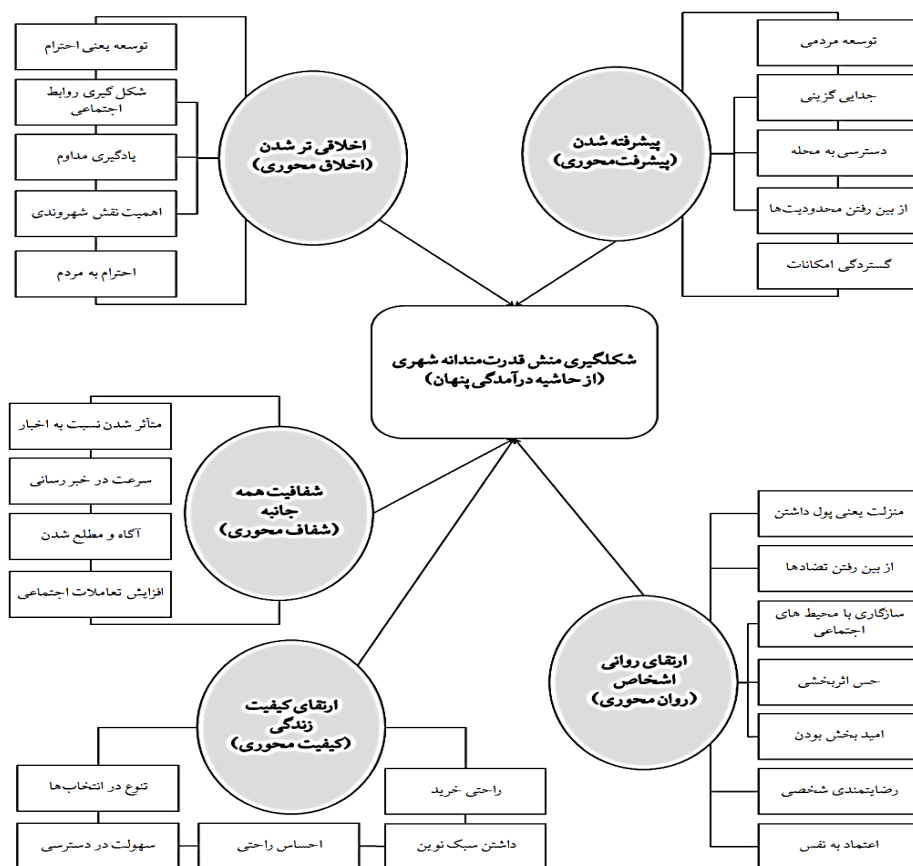
بهداشت روان یعنی سازش با فشارهای مکرر روانی زندگی روزانه، سازگاری و ایجاد تعادل و هماهنگی رفتارهای فرد با محیط زندگی؛ به گونه ای که ضمن حفظ تعادل روانی، در ارتباط با تغییرات و دگرگونی های محیط خویش نیز به تطابقی مؤثر و سازنده دست یابد. هدف اصلی بهداشت روان، پیشگیری از وقوع ناراحتی ها و حفظ سلامت روانی به منظور ایجاد محیط های فردی و اجتماعی سالم و مناسب و همچنین درمان اختلالات جزئی رفتاری است.



نمودار شماره ۶: مؤلفه محوری ارتقای روانی اشخاص (روان محوری) و مفاهیم ذیل آن

مرضیه می گوید:

«یکی از بزرگترین مشکلات ما اینه که اجازه نمی دیم آدم‌ها استعدادهای وجودی خودشان رو بروز بدن.» باید گفت مسائل اجتماعی می توانند زمینه ساز بروز مشکلات روانی در افراد شوند. از این رو باید فضایی اجتماعی همراه با امیدواری، نشاط و تنوع پذیری به منظور کاهش میزان بیماری‌های روانی فراهم آید. سلامت انسان موضوعی کیفی است و اکثریت افراد جامعه علی‌رغم این که بیمار محسوب نمی شوند، باید از نظر سلامت در رفاه باشند. ارتقای سلامت روانی افراد جامعه باید جزو سیاست‌های کلی کشور باشد و برای تربیت نیروی انسانی و خدمات مورد نیاز بیماران، بودجه مناسبی اختصاص داده شود (Annaka & Higashijima, 2021).



نمودار شماره ۷: الگوی شماتیک معنای توسعه در بین مناطق حاشیه‌نشین شهر رشت

۶. بحث و نتیجه‌گیری

مقوله مرکزی موجود در این پژوهش، شکل‌گیری منش قدرتمندان شهری یا همان ازحاشیه‌درآمدگی پنهان است؛ به این معنا که نظم اجتماعی زندگی روزمره را به بهترین شیوه اعمال کنیم، بتوانیم شهر را با توجه به اجزا و جزئیات مختلف ببینیم و به بهترین نحو از ظرفیت‌ها و فرصت‌های موجود برای کارآمدی مدیریت شهری استفاده کنیم (Larsson et al., 2022). از این منظر است که یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مغفول، مسئله حاشیه شهر و حاشیه‌نشینی است.

برخلاف آنچه ممکن است به شکل عملکردی در حاشیه شهر اجرا شود و مورد غفلت قرار گیرد، نادیده‌گرفته‌شدن به‌عنوان یک تهدید در آذهان جای می‌گیرد؛ درحالی‌که با ورود به این مناطق و درک فرصت‌های موجود از نزدیک، این تهدید قابل‌رفع است. (Conway et al., 2019) سازمان‌های جامعه مدنی و سایر ذی‌نفعان در فرآیندهای تصمیم‌گیری درباره خدمات مؤثر بر زندگی‌شان مشارکت می‌کنند. عوامل مختلفی در به‌روزشدن نگرش ساکنین حاشیه شهر نسبت به مسائل جامعه خود مؤثر است. با بهبود و گسترش روزافزون اینترنت در این مناطق، شاهد سرعت در انتقال اخبار، مطلع‌تر شدن مردم نسبت به مسائل روز و به‌طورکلی شفافیت بیشتر در انتقال اخبار در مقایسه با قبل هستیم که با پژوهش پوررجبی و مجدلی (۱۳۹۸) همخوانی دارد.

فراگیری دانش و بالارفتن سطح اطلاعات مردم در موضوعات مختلف، موجب افزایش تعاملات و درک بهتر نقش شهروندی‌شان شده است و همچنین ارتقا (توسعه/بهبود) احترام بین‌فردی و روابط اجتماعی بهتر نسبت به قبل را با خود به همراه داشته است که در این زمینه با پژوهش‌های دزیسیلسکی و نایکام (۲۰۲۲) و پوررجبی و مجدلی (۱۳۹۸) مطابقت دارد. در واقع بنیان‌های آگاهی دانش در مناطق باعث تضعیف عملکرد حوزه ارتباطی بین‌فردی می‌شود.

از طرف دیگر سهولت حاشیه‌نشینی در دسترسی به فروشگاه‌ها و انتخاب‌های متنوع‌تر ایشان در مقایسه با قبل، شرایطی مشابه به یک خرید در سطح شهر را برایشان فراهم ساخته و این سبک‌های نوین موجب ایجاد احساس راحتی بیشتر در ساکنین حاشیه شهرها شده است. همچنین گسترش راه‌های ارتباطی بین شهر و حاشیه شهرها، انتقال امکانات بیشتر به این مناطق را به همراه داشته است که با پژوهش‌های کوبش و اوردنیچک (۲۰۲۲) و نصیری هنده‌خاله و همکاران (۱۴۰۰) همخوانی دارد. این روند، توسعه و به‌روزشدن این مناطق، از بین رفتن محدودیت‌ها، دسترسی راحت‌تر به محله‌ها و در یک کلام کمرنگ‌شدن نگرش جدایی‌گزینی این مناطق از شهرها را به دنبال داشته است. مجموع این عوامل موجب احساس رضایت‌مندی بیشتر ساکنین نسبت به قبل شده است.

بهره‌مندی اکثریت جامعه از آثار توسعه و عدالت توزیعی به معنی تقسیم عادلانه فرصت‌های توسعه و بهره‌مندی از پیامدهای آن با تأکید بر اولویت تأمین حداقل نیازها برای توده‌های فقیر از ویژگی‌های اصلی توسعه پایدار به شمار می‌رود. بین فقر و پایداری رابطه معکوس برقرار است و برای رسیدن به پایداری یا افزایش سطح آن، به کاهش فقر و افزایش تعادل بین طبقات مختلف اجتماعی و اقتصادی نیاز است که در این زمینه با پژوهش‌های تیان کیان وانگ (۲۰۲۱) و علینقی پور و همکاران (۱۴۰۰) مطابقت دارد.

در جامعه‌ای با عدم تعادل شدید اقتصادی و با اکثریت فقیر، هر برنامه‌ای در زمینه بهبود شرایط بدون توجه به مسئله فقر و نیاز اکثریت فقیر، به هدف نخواهد رسید و چنانچه بخشی از اهداف نیز برآورده شود، پایدار نخواهد بود. فقر بزرگ‌ترین خطری است که ثبات سیاسی، همبستگی اجتماعی و سلامت محیطی زمین را تهدید می‌کند. از آنجاکه بخش بزرگی از فقر در مناطق حاشیه شهری است، هر راهبردی در زمینه کاهش و رفع آن مستلزم تجدیدنظر در دسترسی به منابع و توزیع عادلانه‌تر عوامل تولید از جمله زمین و منابع است. بهترین روش برای بهره‌مندی فقرا از منافع رشد و درگیرکردن آن‌ها در افزایش محصول، توسعه سریع فرصت‌ها، اشتغال مولد و ایجاد چهارچوبی برای تأمین معاش پایدار برای همه است. البته ایجاد فرصت‌های کافی برای اشتغال و معیشت پایدار، از جمله مهم‌ترین و مشکل‌ترین مراحل فرایند توسعه است که نتایج پژوهش در این زمینه با مطالعات زامبون و سالواتی (۲۰۱۹) و محمد، اوبارویچینه و ون‌هام (۲۰۲۲) هماهنگی دارد.

ناپایداری و عدم تعادل در سکونتگاه‌های شهری که نتیجه عدم تطبیق طرح‌ها و برنامه‌های اجرا شده با خواسته‌ها و نیازهای واقعی مردم است، نقش مشارکت مردم در توسعه پایدار شهری، منطقه و محلی را نشان می‌دهد که در این زمینه با پژوهش‌های حیدیر و سینتن‌تاپ (۲۰۲۰) و پوررمضان (۱۳۹۹) مطابقت دارد. مردم، در چهارچوب جوامع شهری و روستایی، منابع ارکان توسعه انسانی پایدار (به مفهوم منابع انسانی، طبیعی و سرزمین و مشارکت) را تشکیل می‌دهند؛ با این تفاوت که مشارکت در مقایسه با دورکن دیگر نقش ساختاری دارد و دو عامل «مردم» و «منابع» در چهارچوب آن به فعلیت مطلوب درمی‌آیند. به عبارت دیگر، مشارکت به دلیل اینکه هم هدف توسعه و هم وسیله رسیدن به آن است، ضمن آن‌که نقش ترکیب‌کننده دو عامل دیگر را دارد و برآیند آن دو نیز به شمار می‌آید، عنصر کلیدی در فرایند توسعه پایدار است و از آن به‌عنوان حلقه گمشده فرایند توسعه یاد می‌شود.

منابع

- پوررجبی، میلاد و مجددی، علی‌اکبر (۱۳۹۸). عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی در مناطق حاشیه‌نشین شهر مشهد. فصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، ۱۳(۵۲)، ۶۰-۳۵.
- پوررمضان، عیسی (۱۳۹۹). تحلیل میزان مشارکت جامعه محلی در توسعه سکونتگاه‌های حاشیه‌نشین مورد: خشک بیجار در شهرستان رشت. فصلنامه توسعه در میان حاشیه‌نشینان، ۲(۲)، ۹۵-۱۱۰.
- علیتی‌پور، مریم؛ پوررمضان، عیسی و مولانی‌هشجین، نصراله (۱۴۰۰). تبیین زیست‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی پیرامون کلان‌شهر رشت. فصلنامه توسعه در میان حاشیه‌نشینان، ۳(۶)، ۱۲۸-۱۰۷.
- نصیری هندخاله، اسماعیل؛ امیرانتخابی، شهرام و تاج، سروش (۱۴۰۰). پایش زیست‌پذیری سکونتگاه‌های ناکارآمد حاشیه‌نشین کلان‌شهر رشت: مورد محله عینک. فصلنامه توسعه در میان حاشیه‌نشینان، ۳(۶)، ۱۲۹-۱۴۶.

- Abass, A. S., & Kucukmehmetoglu, M. (2021). Transforming slums in Ghana: The urban regeneration approach. *Cities*, 116, 103284. doi:https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103284

- Abdillah, K. K., Abdul Manaf, A., & Awang, A. H. (2022). Land tenure security for low-income residents' urban livelihoods: A human development approach review of tem-

- porary occupation license. *Land Use Policy*, 119, 106223. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2022.106223>
- Adinarayana, B., & Mir, M. S. (2020). Development of Bicycle Safety Index Models for Safety of Bicycle Flow at 3-Legged Junctions on Urban Roads under Mixed Traffic Conditions. *Transportation Research Procedia*, 48, 1227-1243. doi:<https://doi.org/10.1016/j.trpro.2020.08.145>
- Adolfsson, P., Lindblad, J., & Peacock, S. (2021). Translations of sustainability in urban planning documents - A longitudinal study of comprehensive plans in three European cities. *Cities*, 119, 103360. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103360>
- Andreev, D. V., & Makarova, M. (2022). Development of Digital Technologies in the Transport Infrastructure of Yakutia. *Transportation Research Procedia*, 61, 426-430. doi:<https://doi.org/10.1016/j.trpro.2022.01.069>
- Annaka, S., & Higashijima, M. (2021). Political liberalization and human development: Dynamic effects of political regime change on infant mortality across three centuries (1800-2015). *World Development*, 147, 105614. doi:<https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2021.105614>
- Asibey, M. O., Poku-Boansi, M., & Adutwum, I. O. (2021). Residential segregation of ethnic minorities and sustainable city development. Case of Kumasi, Ghana. *Cities*, 116, 103297. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103297>
- Beshir, M., Mohamed, M., Welch, S., & Rush, D. (2021). Modelling the effects of boundary walls on the fire dynamics of informal settlement dwellings. *Fire Technology*, 57(4), 1753-1781.
- Bevan, A., & Wilson, A. (2013). Models of settlement hierarchy based on partial evidence. *Journal of Archaeological Science*, 40(5), 2415-2427. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jas.2012.12.025>
- Bhutoria, A., & Aljabri, N. (2022). Patterns of cognitive returns to Information and Communication Technology (ICT) use of 15-year-olds: Global evidence from a Hierarchical Linear Modeling approach using PISA 2018. *Computers & Education*, 181, 104447. doi:<https://doi.org/10.1016/j.compedu.2022.104447>
- Bittencourt, T. A., & Giannotti, M. (2021). The unequal impacts of time, cost and transfer accessibility on cities, classes and races. *Cities*, 116, 103257. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103257>
- Blaya, C. (2019). Cyberhate: A review and content analysis of intervention strategies. *Aggression and Violent Behavior*, 45, 163-172. doi:<https://doi.org/10.1016/j.avb.2018.05.006>
- Choudhary, S. A. et al. (2020). Role of information and communication technologies on the war against terrorism and on the development of tourism: Evidence from a panel of 28 countries. *Technology in Society*, 62, 101296. doi:<https://doi.org/10.1016/j.techsoc.2020.101296>
- Conway, D. et al. (2019). Exploring hybrid models for universal access to basic solar energy services in informal settlements: Case studies from South Africa and Zimbabwe. *Energy Research & Social Science*, 56, 101202. doi:<https://doi.org/10.1016/j.erss.2019.05.012>
- Crane, C., & Malloy, M. (2021). The development of temporal-spatial meaning in personal recounts of beginning L2 writers of German. *System*, 99, 102498. doi:<https://doi.org/10.1016/j.system.2021.102498>

org/10.1016/j.system.2021.102498

- Croes, R., Ridderstaat, J., Bąk, M., & Zientara, P. (2021). Tourism specialization, economic growth, human development and transition economies: The case of Poland. *Tourism Management*, 82, 104181. doi:https://doi.org/10.1016/j.tourman.2020.104181

- Daniels, R. H. (2021). Spatio-temporal modelling of informal settlement growth using a hybrid GIS and CA-Markov model.

- Daramola, A. Y. (2018). Transport operations and sustainable development in the informal economy: The case of commercial motorcycles in Ibadan. *Cities*, 81, 101-107. doi:https://doi.org/10.1016/j.cities.2018.03.019

- Dekel, T., Meir, A., & Alfasi, N. (2019). Formalizing infrastructures, civic networks and production of space: Bedouin informal settlements in Be'er-Sheva metropolis. *Land Use Policy*, 81, 91-99. doi:https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2018.09.041

- Denis, M., Cysek-Pawlak, M. M., Krzysztofik, S., & Majewska, A. (2021). Sustainable and vibrant cities. Opportunities and threats to the development of Polish cities. *Cities*, 109, 103014. doi:https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.103014

- Dotsey, S., & Lumley-Sapanski, A. (2021). Temporality, refugees, and housing: The effects of temporary assistance on refugee housing outcomes in Italy. *Cities*, 111, 103100. doi:https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.103100

- Dziecielski, M., Kourtit, K., Nijkamp, P., & Ratajczak, W. (2021). Basins of attraction around large cities - A study of urban interaction spaces in Europe. *Cities*, 119, 103366. doi:https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103366

- Esposito, G., Clement, J., Mora, L., & Crutzen, N. (2021). One size does not fit all: Framing smart city policy narratives within regional socio-economic contexts in Brussels and Wallonia. *Cities*, 118, 103329. doi:https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103329

- Falco, E., Zambrano-Verratti, J., & Kleinhans, R. (2019). Web-based participatory mapping in informal settlements: The slums of Caracas, Venezuela. *Habitat International*, 94, 102038. doi:https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2019.102038

- Hachmann, S., Jokar Arsanjani, J., & Vaz, E. (2018). Spatial data for slum upgrading: Volunteered Geographic Information and the role of citizen science. *Habitat International*, 72, 18-26. doi:https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2017.04.011

- He, C., He, S., Mu, E., & Peng, J. (2022). Environmental economic geography: Recent advances and innovative development. *Geography and Sustainability*, 3(2), 152-163. doi:https://doi.org/10.1016/j.geosus.2022.05.002

- Heider, B., & Siedentop, S. (2020). Employment suburbanization in the 21st century: A comparison of German and US city regions. *Cities*, 104, 102802. doi:https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.102802

- Jin, X., Bolt, G., & Hooimeijer, P. (2021). Africans in Guangzhou: Is the ethnic enclave model applicable in the Chinese context? *Cities*, 117, 103320. doi:https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103320

- Karimimoshaver, M., & Winkemann, P. (2018). A framework for assessing tall buildings' impact on the city skyline: Aesthetic, visibility, and meaning dimensions. *Environmental Impact Assessment Review*, 73, 164-176. doi:https://doi.org/10.1016/j.eiar.2018.08.007

- Komar, J., Chow, J. Y., Kawabata, M., & Choo, C. Z. Y. (2022). Information and Com-

- munication Technology as an enabler for implementing Nonlinear Pedagogy in Physical Education: Effects on students' exploration and motivation. *Asian Journal of Sport and Exercise Psychology*, 2(1), 44-49. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ajsep.2022.02.001>
- Kubeš, J., & Ouředníček, M. (2022). Functional types of suburban settlements around two differently sized Czech cities. *Cities*, 127, 103742. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.103742>
- Kuffer, M., Persello, C., Pfeffer, K., Sliuzas, R., & Rao, V. (2019). Do we underestimate the global slum population? Paper presented at the 2019 Joint Urban Remote Sensing Event (JURSE).
- Kuipers, G., Sezneva, O., & Halauniova, A. (2022). Culture beyond words: Using visual Q-methodology to study aesthetic meaning-making. *Poetics*, 91, 101655. doi:<https://doi.org/10.1016/j.poetic.2022.101655>
- Larsson, A., Elldér, E., Vafeiadis, E., Curtis, C., & Steiner, A. (2022). Exploring the potential for sustainable accessibility across settlement types. A Swedish case. *Transportation Research Part D: Transport and Environment*, 107, 103297. doi:<https://doi.org/10.1016/j.trd.2022.103297>
- Liu, W., Henneberry, S. R., Ni, J., Radmehr, R., & Wei, C. (2019). Socio-cultural roots of rural settlement dispersion in Sichuan Basin: The perspective of Chinese lineage. *Land Use Policy*, 88, 104162. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2019.104162>
- Logie, C. H. et al. (2022). The prevalence and correlates of depression before and after the COVID-19 pandemic declaration among urban refugee adolescents and youth in informal settlements in Kampala, Uganda: A longitudinal cohort study. *Annals of Epidemiology*, 66, 37-43. doi:<https://doi.org/10.1016/j.annepidem.2021.11.005>
- Mazumdar, K., Sen, I., & Parekh, S. (2022). Vignettes of mothering through the pandemic: A gendered perspective of challenges and making meaning of motherhood in India. *Women's Studies International Forum*, 90, 102539. doi:<https://doi.org/10.1016/j.wsif.2021.102539>
- Mens, J., van Bueren, E., Vrijhoef, R., & Heurkens, E. (2021). A typology of social entrepreneurs in bottom-up urban development. *Cities*, 110, 103066. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.103066>
- Menshawy, A. E., Shafik, S., & khedr, F. (2016). Affordable Housing as a Method for Informal Settlements Sustainable Upgrading. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 223, 126-133. doi:<https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2016.05.330>
- Mohamed, A. A., Ubarevičienė, R., & van Ham, M. (2022). Morphological evaluation and regeneration of informal settlements: An experience-based urban design approach. *Cities*, 128, 103798. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.103798>
- Mora, L., Kummitha, R. K. R., & Esposito, G. (2021). Not everything is as it seems: Digital technology affordance, pandemic control, and the mediating role of sociomaterial arrangements. *Government Information Quarterly*, 38(4), 101599. doi:<https://doi.org/10.1016/j.giq.2021.101599>
- Mudau, N., & Mhangara, P. (2021). Investigation of Informal Settlement Indicators in a Densely Populated Area Using Very High Spatial Resolution Satellite Imagery. *Sustainability*, 13(9), 4735.

- Muhula, S. et al. (2021). Impact of the first wave of the COVID-19 pandemic on HIV/AIDS programming in Kenya: evidence from Kibera informal settlement and COVID-19 hotspot counties. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 18(11), 6009.
- Nhamo, L. et al. (2021). Urban nexus and transformative pathways towards a resilient Gauteng City-Region, South Africa. *Cities*, 116, 103266. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103266>
- Nikuze, A., Sliuzas, R., Flacke, J., & van Maarseveen, M. (2019). Livelihood impacts of displacement and resettlement on informal households - A case study from Kigali, Rwanda. *Habitat International*, 86, 38-47. doi:<https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2019.02.006>
- Pourrajabi, M., & Bijani, H. R. (2020). Study of the role of cultural capital on extent of use of communications and technology information (Case Study: Residents of Rasht). *Rasaneh*, 30(4), 49-70.
- Sahoo, M., Gupta, M., & Srivastava, P. (2021). Does information and communication technology and financial development lead to environmental sustainability in India? An empirical insight. *Telematics and Informatics*, 60, 101598. doi:<https://doi.org/10.1016/j.tele.2021.101598>
- Sakurai, M., & Murayama, Y. (2019). Information technologies and disaster management – Benefits and issues. *Progress in Disaster Science*, 2, 100012. doi:<https://doi.org/10.1016/j.pdisas.2019.100012>
- Saroj, A., & Pal, S. (2020). Use of social media in crisis management: A survey. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 48, 101584. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ijdr.2020.101584>
- Spencer, C., & Bevan, A. (2018). Settlement location models, archaeological survey data and social change in Bronze Age Crete. *Journal of Anthropological Archaeology*, 52, 71-86. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jaa.2018.09.001>
- Stiphany, K., Ward, P. M., & Perez, L. P. (2021). Informal settlement upgrading and the rise of renting in São Paulo, Brazil. Under Review.
- Tian, Y., Qian, J., & Wang, L. (2021). Village classification in metropolitan suburbs from the perspective of urban-rural integration and improvement strategies: A case study of Wuhan, central China. *Land Use Policy*, 111, 105748. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2021.105748>
- Torkayesh, A. E., & Torkayesh, S. E. (2021). Evaluation of information and communication technology development in G7 countries: An integrated MCDM approach. *Technology in Society*, 66, 101670. doi:<https://doi.org/10.1016/j.techsoc.2021.101670>
- Tura, N., & Ojanen, V. (2022). Sustainability-oriented innovations in smart cities: A systematic review and emerging themes. *Cities*, 126, 103716. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.103716>
- Valenzuela-Levi, N., Fuentes, L., Ramirez, M. I., Rodriguez, S., & Señoret, A. (2022). Urban sustainability and perceived satisfaction in neoliberal cities. *Cities*, 126, 103647. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.103647>
- Vásquez, W. F., & Alicea-Planas, J. (2018). Unbundling household preferences for improved sanitation: A choice experiment from an urban settlement in Nicaragua. *Jour-*

- nal of Environmental Management, 218, 477-485. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jenvman.2018.04.085>
- Wang, Y. et al. (2021). A full-scale experimental study on single dwelling burning behavior of informal settlement. *Fire Safety Journal*, 120, 103076.
- Wang, Y. et al. (2022). Laboratory experiment of fire spread between two informal settlement dwellings. *International Journal of Thermal Sciences*, 171, 107195. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ijthermalsci.2021.107195>
- Wu, R., Huang, X., Li, Z., Liu, Y., & Liu, Y. (2019). Deciphering the meaning and mechanism of migrants' and locals' neighborhood attachment in Chinese cities: Evidence from Guangzhou. *Cities*, 85, 187-195. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2018.09.006>
- Yang, X., Dong, X., & Yi, C. (2022). Informal housing clearance, housing market, and labor supply. *Labour Economics*, 102199. doi:<https://doi.org/10.1016/j.labeco.2022.102199>
- Zambon, I., & Salvati, L. (2019). Metropolitan growth, urban cycles and housing in a Mediterranean country, 1910s–2010s. *Cities*, 95, 102412. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2019.102412>
- Zareba, A., Widawski, K., Kołodziejczyk, K., Krzemińska, A., Marek, A., & Rozenkiewicz, A. (2021). City profile: Poznań – One of the “normals” in the centre of Europe. *Cities*, 111, 103095. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.103095>
- Zazyki, M. A., da Silva, W. V., de Moura, G. L., Kaczam, F., & da Veiga, C. P. (2022). Property rights in informal settlements. *Cities*, 122, 103540. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103540>
- Zhan, Y. (2021). Beyond neoliberal urbanism: Assembling fluid gentrification through informal housing upgrading programs in Shenzhen, China. *Cities*, 112, 103111. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103111>
- Zhao, P., & Zhang, M. (2018). Informal suburbanization in Beijing: An investigation of informal gated communities on the urban fringe. *Habitat International*, 77, 130-142. doi:<https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2018.01.006>
- Zheng, W., & Barker, A. (2021). Green infrastructure and urbanisation in suburban Beijing: An improved neighbourhood assessment framework. *Habitat International*, 117, 102423. doi:<https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2021.102423>
- Zhu, J., & Guo, Y. (2022). Social justice in spatial change: transition from autonomous rural development to integrated urbanization in China. *Cities*, 122, 103539. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103539>